

آداب تلاوت قرآن

تأليف:

شيخ محمد علي خالدي

(سلطان العلماء)

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

۴ تلاوت قرآن بهترین عبادت است
۴ دلی که از قرآن بی بهره باشد محزون است
۶ عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع رسول الله ﷺ
۱۲ آداب ظاهری تلاوت قرآن
۱۳ تجوید بخوانیم:
۱۵ آداب باطنی تلاوت قرآن
۱۶ اوصاف قرآن
۱۹ اوصاف قرآن از زبان دشمنان اسلام
۲۲ بازگشت به قرآن

تلاوت قرآن بهترین عبادت است

بدون تردید تلاوت قرآن بهترین عبادت است، خاصه اگر تلاوت در نماز و در حال قیام باشد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «بهترین عبادت امت من قرائت قرآن است». همچنین می فرمایند:

«روز قیامت هیچ شفیع و شفاعت کننده ای از قرآن به خداوند نزدیک تر نیست». در جای دیگری می فرمایند: من از بین شما خواهم رفت، ولی دو واعظ را در بین شما خواهم گذاشت: یکی گویا و دیگری خاموش. واعظ گویا قرآن و واعظ خاموش مرگ است». ابن مسعود رضی الله عنه از رسول خدا روایت میکنند که: «قرآن بخوانید که مزد هر حرف آن ده حسنه است. نمی گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است». امام احمد بن حنبل می فرماید: «حق تعالی را به خواب دیدم. گفتم: یا رب، از طریق چه چیزی تقرب به تو فضیلت بیشتری دارد؟ گفت: از طریق قرآن و تلاوت آن. گفتم: اگر چه معنی آن را بفهمیم یا نفهمیم؟ فرمودند: اگر چه آن را بفهمید یا نفهمید».

دلی که از قرآن بی بهره باشد محزون است

خداوند عز و جل می فرماید:

﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرْمَتَ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ﴾ ﴿الحج: ۳۰﴾

«کسی که تعظیم حرمت خداوندی را به جا آورد، برای او نزد پروردگارش بهتر است».

تعظیم حرمت الله به معنای بزرگداشت قرآن، تعظیم پیغمبر و احترام علمای امت است. تعظیم قرآن نیز از طریق تلاوت آن و عمل کردن به دستورات آن حاصل می‌شود. پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: «خیرکم من تعلم القرآن وعلمه» (روایت از عثمان بن عفان در کتاب‌های بخاری، ابو داود وابن ماجه) «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد».

پدری که قرآن آموخته و آن را به فرزند خود می‌آموزد، معلمی که قرآن آموخته و به دانش آموز خود می‌آموزد و کسی که برای تعلیم قرآن سعی می‌کند، همه دارای این فضیلت هستند.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«الذی یقرأ القرآن وهو ماهر به مع السفرة الكرام البررة والذی یقرأ القرآن یتتبع

فیه وهو علیه شاق له أجران» (روایت بخاری و مسلم).

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند: «کسی که قرآن را در عین مهارت و تسلط بر آن بخواند همراه فرشتگان گرامی است و کسی که آن را روان نداند و در خواندن آن زحمت کشد دو اجر، یک اجر خواندن و یک اجر زحمت کشیدن را دارد».

رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرمایند:

«ما أذن الله لشيء ما أذن لنبى حسن الصوت يتغنى بالقرآن يجهر به» (روایت بخاری و مسلم)

رسول الله صلى الله عليه وسلم می‌فرمایند: «خداوند اذن نداد به کاری مانند اذن دادنش به پیغمبر که قرآن را با صدای خوب و بلند می‌خواند».

در حدیثی دیگر رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

«إن الذی لیس فی جوفه شیء من القرآن کالبیت الخرب».

«هر کسی مقداری از قرآن را در سینه نداشته باشد مانند خانه مخروبه است».

خانه مخروبه فاقد زندگی است، سینه تهی از قرآن نیز خالی از خیر و برکت و روشنایی است.

پس با قرائت و تلاوت قرآن دلهای خود را با کلام معنوی روشن و مزین گردانیم.

عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع رسول الله ﷺ

احترام گذاشتن به رسول الله عقیده و ایمان هر مسلمان است. این احترام گذاشتن از طریق پیروی از او و نگهداری و رعایت دستور ها و فرمایش های او حاصل می‌شود. خداوند تبارک و تعالی می‌فرمایند:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ ﴿النساء: ۳۱﴾

«بگو: ای رسول خدا، اگر خدا را دوست دارید از من پیروی نمایید تا خدا شما را دوست بدارد».

زیرا دوستی خداوند برای کسانی محقق خواهد بود که از رسول خدا پیروی کنند. در جای دیگر می‌فرماید: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۗ﴾ ﴿النساء: ۸۰﴾
 «و کسی که فرمان خدا رسول خدا را گردن نهد در حقیقت فرمان خدا را گردن نهاده است».
 رسول الله است که منبع رضایت خدا و موارد خشم او را برای ما مشخص ساخته است.

خداوند متعال شروط قبولی ایمان را قبولی عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع... داوری رسول الله دانسته است، آن جا که می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ ﴿النساء: ۶۵﴾

«نه قسم به پروردگارت که ایمان نمی‌آورند تا آنکه در آنچه در میانشان پیش می‌آید تو را داور سازند و آنگاه از داوری تو در دل‌های خود ناراحتی نیابند و تسلیم فرمان تو شوند».

ایمان داشتن در تسلیم فرمان پیغمبر شدن و پیروی از رسول الله نهفته است که او فرمود:

«كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبي قالوا: ومن يأبى يا رسول الله؟ قال: من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أبى». «همه امت من به بهشت می‌روند مگر کسانی که خودداری کنند و نخواهند. گفتند: یا رسول الله، چه کسی خودداری می‌کند؟

فرمود: کسی که فرمان مرا بپذیرد به بهشت می رود و کسی که نا فرمانی کند خودداری کرده است».

در جهان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، تنها یک راه وجود دارد و آن فرمانبرداری از رسول الله ﷺ و احترام گذاشتن به اهل بیت، همسران، فرزندان، خویشان و اصحاب جلیل القدر آن حضرت است.
خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾

﴿احزاب: ۳۳﴾

«قطعا خدای متعال بر این اراده کرده که پلیدی و نا پاکی را از شما اهل بیت رسول الله دور کند و شما را پاکیزه و مطهر گرداند». پاکیزه گرداندن اهل بیت رسول الله صلی الله علیه وسلم شامل همسران، فرزندان و خویشاوندان رسول الله صلی الله علیه وسلم می شود.
در جای دیگر می فرماید:

﴿وَأَزْوَاجَهُمْ أَهْلَهُمْ﴾ ﴿الأحزاب: ۶﴾ «و همسران رسول الله مادران مومنانند (آنان را

مانند مادر گرامی بدارید».

قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «لقد تركت فيكم أمرين، لن تضلوا ما تمسكتم بهما: كتاب الله وسنتي».

«بعد از خودم دو چیز باقی می گذارم کتاب خدا و سنتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد».

تمسک به کتاب و سنت هرگز گمراهی را در بر نخواهد داشت. واضح است که کلام الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم هر دو با هم و همراهند. احترام اصحاب رسول خدا که جان، مال و فرزندان خود را در این راه نثار کردند در آیات بسیاری از کلام الله یاد شده، مثلاً در جایی خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ ﴿الفتح: ۱۸﴾

«به راستی که خداوند متعال از مومنانی که در زیر درخت (شجره بیعه الرضوان) با تو بیعت کردند خشنود است».

کسانی که خداوند از آنان خشنود است همان اصحاب و یاران پیغمبرند. همچنین در جای دیگر می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ ﴿الفتح: ۲۹﴾

«محمد پیغمبر خداست و آنهایی که همراه او هستند بر کافران سخت گیرند و در میان خودشان مهر آورند، آنان را همواره در رکوع و سجده می‌بینی. فضل و خشنودی خداوند را طالبند. سیمای خیر و طاعت در چهره هایشان از اثر سجود پیدا است».

مردمی که همراه پیغمبر بودند و خود را فدای پیغمبر کردند و از جان و مال خود در راه پیغمبر دریغ نکردند یاران او بودند. خداوند در مورد آنها فرمود:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾ ﴿التوبة: ۱۰۰﴾ «خداوند تعالی از ایشان خشنود

شد و ایشان نیز از خداوند متعال خشنود گشتند».

رسول الله ﷺ در باره یاران خود فرمود:

«خیر القرون قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم».

«بهترین مردم، مردم عصر من هستند (مقصود از آن صحابه و یاران پیغمبر است که در بهترین قرن یعنی قرن رسول الله صلی الله علیه وسلم و در همراهی او می زیسته اند) پس از آن کسانی که بعد از ایشان می باشند دیگر مردمی که پس از ایشان باشند». باید ایشان را بزرگ بدانند و آنها را به احترام یاد کنند. این موضوع در قرآن و سنت و اجماع امت ثابت است.

خداوند می فرماید:

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يِعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ﴿زمر: ۹﴾

«آیا مردم دانا و مردم نادان با همدیگر برابرند؟ خیر هرگز».

در جای دیگر نیز می فرماید:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ ﴿آل

عمران: ۱۸﴾

«خدای یکتا بر این گواهی داد که معبودی به حق به جز خدای یکتا نیست و

فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی خداوند گواهی دادند».

در این آیه پیامبران هم در جمله اولو العلم و دانشمندان یاد شده اند. در جای

دیگر می فرماید:

﴿إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ ﴿فاطر: ۲۸﴾

«به راستی که دانشمندان از خدا می ترسند».

فضل و برتری دانشمندان همین است. بدین جهت هیچگاه نادانان با آنان برابر نخواهند بود.

گواهی دادن به یکتایی خدا از روی دلیل و واقع بهره ی دانشمندان است. ترس از خدا که سر آمد حکمتهاست به علما اختصاص دارد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«کسی که بر خردسالان رحم نیاورد و شرف بزرگان را نشناسد از ما نیست».

رسول الله ﷺ می فرمایند:

«لِيلِينِي مِنْكُمْ أُولُو الْأَحْلَامِ وَالنَّهْيُ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثَلَاثًا وَإِيَّاكُمْ وَهِيَهَاتِ

الْأَسْوَاقِ».

«پشت سر من در نماز از بین شما کسانی که دارای حلم و فضل و عقل باشند بایستند. پس از آن کسانی که در این منزلت ها بعد از آنان هستند قرار بگیرند. - حضرت سه بار این جمله را تکرار نمود - شما را از بلند کردن صداهای بازاری در مساجد بر حذر می دارم».

آنچه که بیان شد در اول فضیلت و احترام و قرائت قرآن بود و سپس آثاری بود که قرآن بعد از تلاوت از ما می خواست. قرآن از انسان عمل می خواهد و تنها دلی، آباد است که بعد از قرائت قرآن به آن عمل نماید و قرآن را سر لوحه

و برنامه زندگانی خود قرار دهد. قرآن برنامه زندگانی و سعادت بشر است. آدمی را از ظلمات و تاریکی ها به سوی روشنایی ها می برد. علامه اقبال در ابیاتی زیبا چنین می فرماید:

نقش قرآن چون که بر عالم نشست
نقشه های پاپ و کاهن را شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمهر است
این کتابی نیست چیز دیگر است
چون که در جان رفت جان دیگر شود
حال چون دیگر شود جهان دیگر شود
با مسلمان گفت جان بر کف بنه
هر چه از حاجت فزون داری بده

آداب ظاهری تلاوت قرآن

- ۱- لازم است شخص قرآن خوان وضو داشته باشد، چه در حالت ایستاده و چه به صورت نشسته قرآن را بسیار با ادب بخواند. بهترین قرائت آن است که شخص در حالت ایستاده و در نماز آن را می خواند.
- ۲- فرد قرآن خوان باید آن را آهسته و به صورت شمرده بخواند و در آن تفکر و تأمل بنماید. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«من قرأ القرآن في أقل من ثلاث لم يفقهه» (از عبدالله بن عمر بروایت امام ترمذی)

«هر کس قرآن را در کمتر از سه روز بخواند، نه قرآن او را آگاه می سازد و نه او معانی آن را درک می کند».

۳- مستحب است قرآن را با ترتیل و شمرده و با رعایت

تجوید بخوانیم:

۴- باید حق هر آیه را رعایت کنیم. وقتی به آیه سجده می رسیم سجده نماییم. همچنین اگر از قرائت دیگری آیه ی سجده را شنیدیم و وضو داشتیم لازم است سجده کنیم.

۵- سجده تلاوت پس از خواندن آیه سجده بر قاری، سامع و مستمع بر هر سه سنت است.

سجود تلاوت در قرآن چهارده تا است، آیه ی سجده، یک سجده دارد. این سجده های قرائت عبارتند از:

دو سجده در سوره ی حج، دوازده سجده دیگر در سوره های:

الأعراف و الرعد و النحل و الاسراء و مریم و الفرقان و النمل و ألم تنزیل السجده

و فصلت و النجم و الانشقاق و اقرأ.

سجده تلاوت حکم نماز را دارد. وضو و طهارت لباس و بدن و جای نماز و رو به قبله سجده کردن در آن لازم است. سجود تلاوت در نماز تابع نماز است و در بیرون از نماز به نیت، استقبال قبله، الله اکبر تحریمیه، الله اکبر سجود برای به

سجود رفتن، سلام دادن بعد از فراغت از سجود و گفتن سبحان ربی الاعلی و بحمده در سجود و گفتن اللهم لك سجدت تا آخر در سجود، به همه ی این ها نیاز دارد.

در صحیحین (بخاری و مسلم) این روایت از عبد الله بن عمر وارد شده:
 «كان النبي صلى الله عليه وسلم يقرأ القرآن فيقرأ السورة فيها سجدة فنسجد معه حتى ما يجد بعضنا موضعا لمكان جبهته».

«رسول الله صلى الله عليه وسلم سوره ای از قرآن را می خواند که در آن سوره سجود تلاوت بود ایشان به سجود می رفتند ما هم همراه ایشان به سجود می رفتیم، تا جایی که بعضی از ما (یاران پیغمبر) برای نهادن پیشانی ش بر زمین جایی نمی یافت».

۶- اگر در مسجد قرار داریم و یا در جایی که احتمال می رود قرائت قرآن ما سبب آزار دیگران شود و یا مزاحمتی برای آنها ایجاد نماید و باعث حواس پرتی دیگران در نماز شود، بهتر است قرآن را آهسته بخوانیم.

۷- در شروع قرائت قرآن نخست اعوذ بالله من الشیطان الرجیم می گوئیم، چون خداوند عزوجل می فرماید: ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

الرَّجِيمِ ﴿۹۷﴾ (النحل: ۹۷) «آنگاه که قرآن را می خواهی تلاوت کنی از شیطان

رجیم به خدا پناه ببر».

آداب باطنی تلاوت قرآن

۱- لازم است شخص قرآن خوان تلاوتش همراه با تعظیم و تدبیر باشد. زیرا خداوند به بندگان خود بی نهایت لطف و عنایت کرده است که قرآن را از عرش جلال خود به درجه فهم و درک آن ها نازل فرموده است. پس بنگریم خداوند چه لطفی در حق بندگان خود مرحمت فرموده است. به طوری که حتی مفاهیم و معانی کلام خود را که صفت ذات مبارک اوست خور درک انسان قرار داده است. بنگریم که چگونه آن صفت قدیم و قائم به ذات خود را در قالب الفاظ و اصوات که لازمه ی صفات آدمی است متجلی ساخته است. چون انسان از درک صفات خداوند عاجز و ناتوان است و تنها در قالب صفات آدمی می تواند آنها را درک کند.

۲- قرآن خوان باید به محض تلاوت قرآن عظمت گوینده ی آن را در دل خود مستحضر نماید و چنان احساس کند که او مبلغ قرآن است و چنان بیندازد که خداوند به وسیله ی قرآن او را مورد خطاب قرار می دهد.

۳- با سکینه، آرامش و تدبیر و تفکر، صبر و استجابت به تلاوت قرآن کریم پردازید.

امام مسلم از حذیفه بن یمان روایت کرده که می گوید: شبی با پیامبر به نماز ایستادم. آن حضرت سوره ی بقره را قرائت نمودند. در دل گفتم چون صد آیه را بخواند رکوع خواهد نمود ولی آن حضرت از آیه صدم هم گذشت. در دل گفتم چون سوره ی بقره را تمام کند، رکوع می کند، ولی آن حضرت سوره ی بقره را

تمام کردند و سوره‌ی آل عمران و سوره‌ی نساء و بعد سوره‌ی مائده را نیز خواندند. قرائت شان آرام و با ترتیل بود.

البته این عادت و شیوه پیغمبر صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام رضوان الله علیهم اجمعین و تابعین رحمهم الله در پیروی از آن حضرت بود که با تدبیر و تأمل و وقوف در مفاهیم و معانی آیات الهی عنایت خاصی داشتند.

۴- وقتی که مشغول تلاوت قرآن هستید به یاد آورید که خداوند با شما در حال حرف زدن است. اصل این موضوع در حدیثی آمده که رسول الله فرمودند: وقتی یکی از شما اراده سخن گفتن خود با خدا را دارد نماز بخواند و اگر می‌خواهد خدا با او سخن بگوید قرآن را تلاوت نماید.

اوصاف قرآن

قرآن کریم کتاب جاویدان و دستور بزرگ خداوند عز و جل است که بر جهانیان نازل فرموده است. با فرود آمدن این کتاب نزول همه کتاب‌های آسمانی پایان پذیرفت و با ارسال پیامبر بزرگ اسلام رسالت پیامبران قبلی منسوخ اعلام گردید.

دین اسلام نیز از هر حیث کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان آسمانی و خاتم همه‌ی ادیان قرار گرفت. بدون شک قرآن، دستور خالق عز و جل جهت اصلاح خلق و رساله‌ای آسمانی به زمین و قانون جاویدانی جهت نظم زمین می‌باشد. قرآن، عظیم‌ترین برهان و آیه‌ی رسالت رسول امین محمد صلی الله علیه وسلم است و در همه اعصار دلیل بزرگی بر صداقت، حقانیت، امانت‌داری، رسالت و

نبوت آن حضرت به شمار می رود. قرآن دلیل حقانیت، رسالت و نبوت آن حضرت به شمار می رود.

قرآن بر روح ها و روان های آدمی بی نهایت تاثیر گذار است، در فاصله ای اندک آدمی را متحول و دگرگون می کند و همین تاثیر قرآن بود که توانست روند تاریخ را تغییر دهد.

مع الوصف در محدوده‌ی عربستان توقف ننموده، بلکه به تمام جهان رسید و همه را متحد، یک دست و با هم نزدیک نمود. در نتیجه امت واحدی را به وجود آورد و بشریت را که در آستانه‌ی سقوط به گودال نیستی و بدبختی بود رهایی بخشید. گویا به آنان خلقت و حیات تازه ای داد و سرافراز و سربلندشان نمود. قرآن عظیم ستون و تکیه گاه زبان عربی است. زیرا بقاء صفا، سلامتی، سلاست، فصاحت و خالصیت زبان عربی در همه اقشار و اقسامش از آن استمداد می جوید و به وسیله‌ی قرآن است که بر سایر زبان ها در سبک و محتوا تفوق و برتری یافته است.

قرآن عظیم آیت بزرگ خداوند است. باید گفت که این آیت و معجزه، با دیگر آیات و معجزات داشته و انوار و اسرار آن با دیگران تفاوت کلی دارد. زیرا این قرآن کلام خداوند تبارک و تعالی است. همو که حی و قیوم است و ملکوت آسمان ها و زمین را در ید قدرت خود دارد و بر همه چیز قادر و توانا است.

قرآن عظیم در لغت، نظم و اسلوب، هدایت و علوم برای همه‌ی مردم معجزه بود، به گونه ای که همه‌ی ادیبان و سخنوران از آوردن همانند آن عاجز گردیدند. مشهور ترین ادیبان و شعرا در مقابل اعجاز آن لال و بی زبان

شدند. چنانچه پوشیده نیست که قرآن کریم انس و جن را در این که سوره ای مثل قرآن را بیاورند به مبارزه طلبیده است. احدی قدرت ارائه ی جواب را نداشته و ناگزیر همه ی کسانی که قصد معارضه با قرآن را داشتند تا امروز و تا قیام قیامت به سکوت متوسل شدند و می شوند.

حتی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که قرآن بر وی نازل گردید این استطاعت را نداشت که با مواهب بزرگ خود سوره ای کوتاه و یا دراز بیاورد. در این باره آیاتی صریح و گویا وجود دارد. نبی کریم ﷺ نیز مانند دیگر مردم از ارائه مثل قرآن عاجز بود. آیه ای که خداوند عز و جل طی آن به پیامبرش امر فرمود تا هنگام مبارزه طلبی به مردم بگوید و برایشان قرائت نماید و از آن استدلال بر نبوت و رسالت خویش بنماید همین نکته را می رساند:

﴿وَإِذَا تُلَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيَّنَّتْ لِقَالِ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا أَنَّتِ بُرْءَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَائِي نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۖ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥-١٦﴾﴾

«چون بر آنها (کفار) آیات بینات ما خوانده شود آنان که امید ملاقات ما را ندارند می گویند: قرآنی غیر از این بیاور و یا این قرآن را بدل گردان. بگو: برای من این مقدور نیست که از جانب خود آن را بدل گردانم. جز از آنچه برایم فرستاده شده پیروی نمی کنم. من اگر خداوند خود را نافرمانی نمایم از عذاب روز بزرگ می ترسم. بگو اگر خدا نمی خواست آن را بر شما نمی خواندم و نه

شما را از آن با خبر می ساختم. یقیناً در بین شما عمری پیش از آن به سر برده ام (و از وحی و قرآن چیزی نمی دانسته ام) آیا تعقل نمی ورزید؟»

قرآن عظیم حائز شیوه ی دقیقی است. همه اش خرد ها را مخاطب قرار می دهد. نظم و اسلوب شگرف و عجیب آن نیز از اسلوب و نظم واحدی پیروی نمی کند. بلکه به سوره های کوچک و بزرگ، آیات بزرگ و کوچک و متن های آرام و کوبنده تقسیم شده است.

به گونه ای که عدد آیات برخی از این سوره ها از صد آیه نیز تجاوز می کند. آیات برخی سوره های دیگر از ده، هفت، سه و... بیشتر نیست. در درازی و کوتاهی فواصل و مقاطع این آیات تفاوت اساسی به چشم می خورد. چنانچه برخی آیات متفق الفواصل اند حکمت این امر نیز در شمولیت آیات قرآنی و حایز بودن مسائل، احکام و مفاهیم عالی، اسماء خداوند و آیه ها و نشانه های هستی می باشد، به گونه ای که هر آیه ای مطلب خاصی را بیان می دارد. راجع به احکام، آداب، پند ها، امثال، قصص، اخبار و... بحث شده است. این است که در برابر این هماهنگی و نظم خاص قرآنی همه ی ادیبان، شاعران و سخنوران به عجز خویش اعتراف ورزیده اند و تسلیم آن شده اند.

اوصاف قرآن از زبان دشمنان اسلام

در این بحث می خواهم یکی از شهادت های سر سخت ترین دشمنان اسلام و قرآن کریم را که خود یکی از بزرگان کفار قریش بود ذکر کنم. زیرا این وصف از لحاظ این که گفته و اعتراف دشمن است بدون شک قابل توجه و دقت بوده

است. می توان ادعا کرد که این بزرگترین دلیل عجز دشمنان قرآن در برابر آن است. حاکم در کتاب دلائل النبوه به روایت از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما چنین نقل می کند:

در یکی از روزها ولید بن مغیره ی مخزومی که از روسای معروف قریش بود نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد. آن حضرت قرآن را بر او خواند. ولید سخت تحت تاثیر قرار گرفت و به عنوان دل سوزی چنین گفت: شگفتا! پسر ابی کبشه (مراد حضرت محمد ﷺ بود) چه می گوید. قسم به خدا گفته او به شعر و سحر شباهتی نداشته و لهو و لعب نیست و نه می توان گفت پرخاشگری است که نشانه ی جنون باشد. یقینا آنچه او می گوید کلام خداوند عز وجل است.

چون گروهی از قریش این خبر (اعتراف ولید بن مغیره) را شنیدند، فوراً اجتماعی تشکیل دادند و چنین اظهار نمودند که اگر ولید از آیین آباء و اجدادش بیرون شود و آن را ترک نماید بدون شک همه قریش آیین آبایی شان را ترک خواهند نمود. وقتی این خبر به گوش ابو جهل رسید بلا فاصله به سوی خانه او حرکت نمود. چون در خانه با هم ملاقات کردند، ابو جهل چنین صحبت را آغاز نمود:

عموی عزیز، می دانی که قوم حاضر شده اند برای تو مال و پول جمع کنند، با این وجود تو نزد محمد رفته و حرف های قوم و پیشینیان خود را نقض داشته ای و اعتراف نموده ای که اقوال و گفته های او آسمانی است. ولید پاسخ داد: قریش همه به خوبی می دانند که از همه شان بیشتر مال و پول دارم. لذا احتیاجی به مال آنها ندارم. در این هنگام ابو جهل گفت: قبول است. پس خواهش می کنم در

باره‌ی محمد چیزی بگو تا همه مردم و قبیله متقاعد شوند و بپذیرند که تو از محمد متنفری و نسبت به او انزجارت را اعلام داشته‌ای. ولید گفت: چه بگوییم؟ قسم به خدا، شخصی در میان شما وجود ندارد که عالم‌تر و دانشمندتر از من در قصیده، سجع و قافیه‌ی شعر باشد.

سوگند به خدا آن چه این مرد (محمد) می‌گوید هیچ گونه شباهتی به این چیزها (اشعار یا گفتار جنیان) ندارد. سوگند به خدا که در گفته‌های او یک نوع حلاوت و شیرینی وجود دارد و از طراوت و تازگی به خصوصی برخوردار است. آغاز گفتارش مثمر و نتیجه بخش و آخرش مفید و لذت آور است.

در تمامی حرف‌هایش فیوضات فراوانی نهفته است. مهمتر این که گفتارش عالی است. هیچ گفته‌ای از آن برتری ندارد. بر هر چیز چیره می‌گردد و چیزی نمی‌تواند بر او چیره شود.

ابو جهل گفت: قسم به خدا تا چیزی در باره او نگویی قوم از تو راضی نخواهد شد. در این هنگام ولید مهلت خواست و تقاضا نمود تا اجازه‌ی تفکر در این باره به او داده شود. بعد از مدتی اندیشیدن چنین اظهار نظر کرد:

گفتار محمد جادویی است که از ساحران دیگر تاثیر پذیرفته است.

خداوند جهت آگاهی مسلمین در سوره‌ی مدثر چنین می‌فرماید: ﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ﴿٢﴾ وَبَنِينَ شُهُودًا ﴿٣﴾ وَمَهْدُتٌ لَهُ تَمَهِيدًا ﴿٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ﴿٦﴾ سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا ﴿٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿٨﴾ فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿١١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَسَرَ ﴿١٢﴾

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٢﴾ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٣﴾ إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٤﴾
 سَأُصَلِّهِ سَقَرًا ﴿٢٥﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٦﴾ لَا تُتَّقَى وَلَا تَذَرُ ﴿٢٧﴾ لَوْ أَحَاطَ لِلْبَشَرِ ﴿٢٨﴾ عَلَيْهَا
 تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٢٩﴾ [مدثر: ۱۱ - ۳۰] «بگذار مرا با کسی که او را تنها آفریده ام، به او
 مال فراوان داده ام و با فرزندان حاضر. بسیار به او میدان و امکان دادم. باز طمع
 می ورزد که افزون سازم. چنین نیست. بی گمان در حق آیات ما ستیزه جو بود. او
 را به کار سختی خواهم گمارد. هر آینه او تامل نمود و اندازه مقرر کرد. پس کشته
 باد (لعنت باد) چگونه اندازه کرد؟ بار بار نگریست و باز رو ترش کرد و پیشانی
 درهم کشید. باز پشت گرداند و تکبر کرد و گفت: نیست قرآن مگر جادویی که از
 ساحران نقل می شود، نیست این قرآن مگر کلام آدمی. او را در دوزخ خواهم آورد
 و چه چیز تو را مطلع ساخت که دوزخ چیست؟ باقی نمی گذارد و ترک نمی کند.
 برای آدمیان سوزنده است. بر دوزخ نوزده کس گمارده شده اند.»

بازگشت به قرآن

این بحث را با اشعاری از علامه اقبال لاهوری شاعر و دانشمند معروف جهان
 اسلام آغاز می کنیم. وی در وصف قرآن کریم و بیداری مسلمین در بازگشت به
 قرآن می گوید:

آن کتاب زنده قرآن حکیم	حکمت او لایزال است و قدیم
نسخه های اسرار تکوین حیات	بی ثبات از قول او گیرد حیات
نوع انسان را پیام آخرین	حامل او رحمه للعالمین
رهزنان از حفظ او رهبر شدند	از کتابی صاحب دفتر شدند

بنگر آن سرمایه‌ی آمال ما گنجد اندر سینه‌ی اطفال ما

با کمال اطمینان باید بگوییم در وعده‌ی خدایی هیچ گونه شکی نیست. مومنان راستین هرگز شکست نمی‌خورند. هر وقت که در تاریخ خود کاملاً مغلوب شده‌اند ناچار شکاف در حصار ایمان از راه احساس یا عمل پیدا شده است. شکست انسان متناسب با همین شکاف است. پس از آن دوباره پیروزی از آن مومنان بوده است. اگر در طول تاریخ مسلمانان، آنگاه که پرچم پیروزی از دست آن‌ها ربوده شده نیک دقت کنیم، خواهیم دید که علتی از این نوع وجود داشته است. باید گفت که وعده‌ی خدا همه وقت بر حق بوده و خواهد بود. آری، آزمایش و ابتلاء ما در بر دارنده‌ی حکمتی است. این حکمت عبارت است از کامل شدن حقیقت ایمان و بیدار شدن آن در سینه‌ها. هر وقت ایمان به مرحله‌ی کمال رسید و یا ابتلاء به صورت نیرومندی برانگیخته شد، پیروزی می‌رسد و وعده‌ی خدا تحقق پیدا می‌کند.

چیرگی کافران بر ما آن روز نیست که در میدان نبرد پیروز شوند، بلکه آن روز است که بر روان‌های ما چیره شوند و چنان پنداریم که نیروی آنان شکست‌ناپذیر است. خود را در برابر آنان کوچک و ناتوان بدانیم و امید کامیابی نداشته باشیم. در آن هنگام که قرآن می‌گوید: خداوند هرگز برای کافران در برابر مسلمانان راهی قرار نخواهد داد. نظر به روح مومنی دارد که پیروز می‌شود و نظر به فکر مومنی دارد که غلبه با اوست. میان ما و پیروزی در هر زمان و مکان اینقدر فاصله است که حقیقت ایمان را در خود کامل کنیم. یکی از حقایق ایمان آن است که به دشمنان خود اعتماد و تکیه نداشته باشیم. جز از خداوند بزرگ از دیگری

طلب عزت و نیرو مندی نکنیم. هیچ کس نباید چنین بگوید که از ایشان کسب نیرو می‌کنیم تا نیرو مند شویم، چه این گفته خود نخستین گام در راه شکست است.

اکنون وضع ما با دشمنان در اثر فاصله گرفتن از قرآن و اسلام درست به مثابه ی روبرو شدن ظاهر ایمان با حقیقت کفر است. به همین جهت است که آنان بر ما چیره و پیروز می‌شوند. آنان به خدا کافرند ولی به ماده ایمان دارند، اگر چه ماده کوچک است ولی حقیقت دارد.

بار الهی! روز بازگشت ما به قرآن نزدیک است، بازگشت به مکتب نجات بخش اسلام، بازگشت به فرامین و دستورات الهی و به سنت گهر بار رسول الله، بازگشت به افتخارات دیرینه ی اسلام و مسلمین.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.